

## دکتر دیوید باوئر، مطالعه استقرایی کتاب مقدس، سخنرانی ۱۶، یعقوب ۱:۱-۴

دیوید باوئر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیوید باور هستم در تدریسش در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس. این جلسه ۱۶، یعقوب ۱: ۱-۴ است.

بسیار خب، ما الان در نقطه‌ای هستیم که می‌خواهیم به روشی بسیار دقیق و می‌توانم بگویم سیستماتیک، روشی را که برای کتاب یعقوب توضیح داده‌ایم، به کار ببریم.

و ما قصد داریم بخش به بخش از طریق یعقوب پیش برویم. در هر مورد، با بررسی آن بخش شروع کنید. البته، ما این کار را قبلاً با یعقوب ۱: ۲-۲۷ انجام داده‌ایم.

و سپس از بررسی آن بخش، به ویژه واحدهای اصلی و زیرواحدها، به عنوان چارچوبی گسترده استفاده کنید که بتوانید تحلیل دقیق یا جریان فکری را بر آن بنا کنید. جریان فکری هم برای مشاهده، نوعی خوانش دقیق متن، مشاهده متن و هم به عنوان مبنایی برای تفسیر متن به کار می‌رود. و من می‌خواهم در تمام این موارد روش شفافی داشته باشم.

می‌خواهم در مورد فرآیندی که برای رسیدن به این نتیجه‌گیری‌ها، این نتیجه‌گیری‌های رصدی و مشاهده‌ای باید بگویم، و نتیجه‌گیری‌های تفسیری، انجام می‌دهم، کاملاً شفاف باشم. خب، شما از بررسی بخشی که در یعقوب ۱: ۲-۲۷ دو واحد اصلی را شناسایی کردیم، به یاد دارید. شکاف اصلی، حداقل از نظر من، بین آیات ۱۶ و ۱۵ است.

و اینکه در آیات ۱:۲-۱۵، ما پیروزی زندگی مسیحی را بارها و بارها می‌بینیم. نه فقط از طریق آزمایش‌ها و وسوسه‌ها، بلکه از طریق آنها و با تأکید بر حکمت. و البته، به‌ویژه حکمت وسیله‌ای است که فرد مسیحی می‌تواند از طریق آن بر آزمایش‌ها و وسوسه‌ها پیروز شود.

ما متوجه شدیم که در اولین واحد اصلی این بخش، و همانطور که گفتم اولین واحد اصلی در اینجا، آیات ۲ تا ۱۵ است، چهار زیرواحد داریم. و این شروع می‌شود، واقعاً شروع می‌شود، و اینها واقعاً، در اینجا اتفاق می‌افتد ۱۵، که این زیرواحدها با پاراگراف‌هایی که در اینجا داریم مطابقت دارند. اینکه این اولین واحد اصلی در فصل اول، یعنی ۱:۲ تا ۱۵، با اشاره به آزمایش یا وسوسه شروع و پایان می‌یابد.

برادران من، وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، آن را تماماً شادی بدانید. حال، کلمه‌ای که در آنجا می‌آید که *peirasmos* است، *peirasmois* است، به عنوان آزمایش‌ها ترجمه شده است می‌تواند به وسوسه یا آزمایش ترجمه شود. من فکر می‌کنم که در اینجا در آیه ۲، آزمایش به درستی ترجمه روبرو می‌شوید، آن را تماماً شادی بدانید *peirasmois* شده است. برادران من، وقتی با آزمایش‌های مختلف

با این حال، همین کلمه را در پاراگراف چهارم و آخر این بخش اصلی اول در فصل اول، یعنی در آیات ۱ تا ۱۲، دارید. در آنجا می‌خوانیم که خوشا به حال کسی که آزمایش را تحمل می‌کند. و در آنجا دوباره کلمه را دارید که آزمایش را تحمل می‌کند *peirasmos*.

زیرا وقتی از آزمایش سربلند بیرون آمد، تاج حیاتی را که خدا به دوستداران خود وعده داده است، دریافت خواهد کرد. هیچ‌کس وقتی وسوسه می‌شود، نگوید: این آیه ۱۳ است. و در اینجا شکل فعل آن اسم

آمده است: هیچ کس وقتی وسوسه می‌شود، نگوید: من از جانب خدا وسوسه می‌شوم، peirazomenos،  
peirazomenos.

وسوسه نمی‌کند و خود او کسی را وسوسه نمی‌کند، بلکه هر کس با شهوات خود وسوسه می‌شود. این همان کلمه است. پس توجه می‌کنید که همان کلمه در آیه ۲ و سپس در آیه ۱۲ به معنای آزمایش ترجمه شده است، اما در آیات ۱۳ و ۱۴ به معنای وسوسه کردن یا وسوسه شدن است.

البته تشخیص این موضوع بسیار مهم است. و به همین دلیل است که می‌گوییم واقعاً تمام این نیمه اول، آیات ۱۵ تا فصل اول، با کل این ماجرای آزمایش، امتحان و وسوسه قاب گرفته شده است. تا چند لحظه ۲ دیگر خواهیم دید که بین آزمایش و وسوسه، بین پیراسموس، که به عنوان آزمایش فهمیده می‌شود، و پیراسموس، که همان کلمه است و به عنوان وسوسه فهمیده می‌شود، تفاوت وجود دارد، اما همچنین بین این دو ارتباط عمیقی وجود دارد.

peiraismos و همانطور که گفتم، این یکی از چیزهایی است که آیات ۲ تا ۱۵ را به هم پیوند می‌دهد، اینکه با آزمایش و وسوسه، شروع و پایان می‌یابد، اما همچنین هر یک از این پاراگراف‌ها به استقامت اشاره می‌کنند، شکل فعل آن است. هر یک از آنها به hupomoneo است، یا hupomone، و کلمه یونانی آنجا، ضمناً استقامت یا فقدان ثبات یا پایداری اشاره می‌کند، که در آیات ۹ تا ۱۱، استقامت یا متضاد آن را داریم.

باز هم، این دو تکرار، آیات ۲ تا ۱۵، در یک واحد اصلی منسجم در یعقوب فصل اول به هم متصل می‌شوند. اما در درون آن، البته، زیرواحدهایی وجود دارد. در درون آن واحد اصلی، زیرواحدهایی نیز وجود دارد.

و بنابراین، او سپس با پاسخ به آزمایش‌ها شروع می‌کند، و پاسخ به آزمایش‌ها شادی است. برادران من، وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، آن را تماماً شادی بدانید، زیرا می‌دانید که آزمایش ایمان شما باعث پایداری می‌شود، و بگذارید پایداری تأثیر کامل خود را داشته باشد، تا کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید. اکنون، دوباره، ما در حال انجام تجزیه و تحلیل دقیقی از این موضوع هستیم.

بنابراین، مفید است که با بررسی آیات ۲ تا ۴ شروع کنیم. و البته آنچه در اینجا دارید، یک شکاف بزرگ بین آیه ۲ و آیه ۳ است. آیه ۲ شامل این نصیحت است که ای برادران من، وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، آن را شادی بشمارید یا همه آن را در نظر بگیرید. سپس او در آیه ۳ می‌گوید، زیرا هر زمان که به عنوان یک حرف ربط دارید، می‌دانید که دلیل و مدرک دارید.

او پیش می‌رود و دلیلی برای این امر ارائه می‌دهد. زیرا می‌گوید، شما می‌دانید که آزمایش ایمانتان، پایداری را به است RSV ارمغان می‌آورد و بگذارید پایداری تأثیر کامل خود را داشته باشد. این همان ترجمه

واقعاً، به معنای واقعی کلمه، این کار بی‌نقص است، تا شما کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید. حال، با اشاره به برادرانم در اینجا شروع می‌کنیم. برادران من، این را همه شادی بدانید

این خطاب به خوانندگان به عنوان برادران من در سراسر کتاب یافت می‌شود و در واقع دو هدف را دنبال می‌کند. در اینجا ما به این سوال پاسخ می‌دهیم که معنای این چیست؟ اهمیت آن چیست؟ چرا اینجا آمده است؟ از یک طرف، این به هدف ادبی-الهیاتی کمک می‌کند تا نویسنده با خوانندگان خود و با وضعیت خوانندگان همذات‌پنداری کند. برادران من، کمک به نویسنده برای همذات‌پنداری با خوانندگان خود و با وضعیت خوانندگان.

بنابراین او با آنها به عنوان کسی که خود نیز با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شود، صحبت می‌کند. ای برادران من، وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، آن را تماماً شادی بدانید. او با برادران خود خواندن آنها، نشان می‌دهد که در شرایط آنها شریک است.

او با آنها به عنوان کسی صحبت می‌کند که خود نیز با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شود و باید با همان شادی که به خوانندگان توصیه می‌کند، با آزمایش‌های روبرو شود. او از بالا، از دور، صحبت نمی‌کند، بلکه با همدلی صحبت می‌کند. حال، اینجا است که بیانیه پیش‌زمینه در یعقوب ۱:۱ مطرح می‌شود؛ یعقوب ۱:۱ را به خاطر بیاورید؛ ما از پیشینه، آمادگی و درک او برای کل کتاب گفتیم.

یعقوب، بنده خدا و خداوند عیسی مسیح. اگر در واقع، این یعقوب، یعقوب، برادر خداوند باشد، که تقریباً به طور قطع همینطور است. واقعاً هیچ یعقوب دیگری وجود ندارد که مانند یعقوب، پسر زبیدی، به دلیل شهادت زود هنگام و موارد مشابه، تقریباً منتفی باشد.

واقعاً هیچ یعقوب دیگری از عهد جدید نمی‌شناسیم که به خوبی با نویسنده‌ی این کتاب مطابقت داشته باشد، به جز یعقوب، برادر عیسی. اگر در واقع، همانطور که تقریباً به طور قطع همینطور است، و به هر حال، اجماع علمی در اینجا این است که این یعقوب، یعقوب، برادر خداوند است. بسیار قابل توجه است که این یعقوب از بالا صحبت نمی‌کند، تصمیم نمی‌گیرد از راه دور صحبت کند، بلکه با همدلی صحبت می‌کند.

زیرا این یعقوب رهبر والامقام مسیحیت یهودی بود. و ضمناً، این اشاره به ۱۲ قبیله پراکنده تقریباً به طور قطع به مسیحیان یهودی در سراسر جهان اشاره دارد، از این رو واقعاً یک نامه عمومی است. او رهبر والامقام مسیحیت یهودی بود و در واقع، از برخی جهات، رهبر خود کلیسای مسیحی بود، نه فقط مسیحیت یهودی، بلکه جنبش مسیحی به طور کلی.

عهد جدید کاملاً واضح است. شما این را در کتاب اعمال رسولان و همچنین در غلاطیان، به عنوان مثال، می‌بینید که یعقوب واقعاً رهبر اصلی مسیحیت نوظهور، مسیحیت اولیه بود. اگر از یک مسیحی قرن اول، مثلاً حدود ۶۰ سال، پرسید که رهبر جنبش مسیحی چه کسی بود؟ آن شخص نمی‌گوید پطرس.

او نمی‌گفت پولس. او می‌گفت، یعقوب. هیچ تأکید یا اغراقی بر جایگاه والای رهبری این مرد و همچنین احترام فراوانی که نه تنها در کلیسای مسیحی، بلکه در میان یهودیان غیرمسیحی نیز برای او قائل بودند، وجود ندارد.

ضمناً، یوسفوس از یعقوب، همین یعقوب، با عبارات بسیار درخشانی یاد می‌کند. در واقع، یوسفوس بیشتر درباره یعقوب می‌گوید تا درباره عیسی و حداقل در یک قسمت از کتابش، از ارتباط عیسی با یعقوب صحبت می‌کند. یوسفوس حداقل در یک قسمت از کتابش، بیشتر به یعقوب توجه داشته تا به عیسی.

بنابراین، در اینجا با شخصی روبرو هستید که جایگاه والایی داشته و مورد احترام فراوان بوده است، اما از صحبت کردن با خوانندگان یهودی-مسیحی خود از موضع اقتدار یا مطمئناً اقتدارگرایی، بلکه در سطح آنها در سطح آنها، به عنوان یکی از آنها، برادران من، امتناع می‌کند. حال، این در واقع به کل مسئله مراقبت و موعظه شبانی مربوط می‌شود. تا جایی که می‌توانیم یعقوب را به عنوان الگویی در آنچه که برای مراقبت و آموزش شبانی انجام می‌دهد، در نظر بگیریم، این می‌تواند در مورد درک ما از مراقبت و موعظه شبانی نیز صدق کند.

وقتی در مقابل جماعت می‌ایستیم یا مشغول موعظه یا تعلیم به جماعت خدا هستیم، موضوع موعظه یا تعلیم ما به آنها نیست، بلکه در واقع ایستادن ما در کنار و در کنار کسانی است که تحت کلام خدا به آنها خطاب می‌کنیم، به طوری که ما نیز همراه با جماعت، همراه با کلاسی که به آن درس می‌دهیم، مورد خطاب

قرار می‌گیریم. ما خود را به همان روشی که شنوندگان ما توسط کلام خدا که اعلام می‌کنیم، مورد خطاب قرار می‌گیرند، می‌یابیم. موضوع موعظه من به شما نیست. من اول از همه به خودم و سپس به شما موعظه می‌کنم.

حال، دومین نکته‌ای که در این اشاره به برادرانم وجود دارد، جنبه‌ی الهیاتی آن است، که فکر می‌کنم هدف الهیاتی دارد، ما همین الان در مورد هدف الهیاتی ادبی صحبت کردیم، اما همچنین هدف الهیاتی آن این است که نشان دهد آنچه او در مورد امکان رستگاری آزمایش‌ها در اینجا می‌گوید، فقط برای مؤمن مسیحی صادق است، حداقل ادعایی که او در مورد پتانسیل بالقوه رستگاری آزمایش‌ها می‌کند، این ادعا را فقط برای مؤمن مسیحی مطرح می‌کند. او ادعا نمی‌کند که این برای غیرمؤمن نیز صادق است. این یک اصل جهانی نیست.

او این را به عنوان یک اصل جهانی مطرح نمی‌کند. این پتانسیل مثبت ذاتاً در آزمایش‌ها وجود ندارد، بلکه یک اصل الهی است که در آزمایش‌هایی که مؤمنان مسیحی آنها را تجربه می‌کنند، در کار است. تجربه مسیحی تجربه مسیحی، و شاید همچنین مشارکت در جامعه مسیحی، منابع منحصر به فردی را برای آزمایش‌ها فراهم می‌کند تا این نوع نتیجه سودمند رستگاری‌بخش را داشته باشند.

حالا، نصیحت به اینکه همه چیز را شادی بدانیم، به خود نصیحت می‌رسیم. اینجا چه چیزی مطرح است؟ اینکه همه چیز را شادی بدانیم. ضمناً، در یونانی، توجه به ترتیب کلمات بسیار جالب است. ترتیب کلمات در یونانی واقعاً با «همه چیز را شادی با ملاحظه» شروع می‌شود.

با کمال شادی و با ملاحظه، این عبارت را در اولویت قرار می‌دهیم. در این نصیحت چندین عنصر اصلی وجود دارد. اولین مورد، دامنه شمول است.

است، به معنای «تمام» (passan) او می‌گوید: «آن را سراسر شادی بدانید.» در واقع، اولین کلمه این رساله شادی با ملاحظه. «در اینجا بر دامنه شمول تأکید شده است.

او می‌گوید، آنها باید با شادی و فقط با شادی به آزمایش‌ها پاسخ دهند. شادی‌ای که با هیچ احساس یا واکنش مخالف دیگری آمیخته نباشد. حالا، در موردش فکر کنید.

این امر، هرگونه دوگانگی یا ابهام در پاسخ به آزمایش‌ها را رد می‌کند. بلکه، یک پاسخ جامع و یکپارچه است. این مواجهه با آزمایش‌ها نباید باعث تفرقه در درون فرد یا در واقع در درون جامعه مسیحی، در درون برادری شود.

آن را سراسر شادی، شادی‌ای بدون هیچ احساس یا واکنش متضاد دیگری در نظر بگیرید. بنابراین، عنصر تمامیت، کمال، و فقدان هرگونه اختلاط که در این رساله بسیار برجسته است، در همان کلمه اول بدنه رساله معرفی شده است. همه شادی‌ها با ملاحظه.

حالا، دومی، البته، و این واضح است، معنای شادی است. همه آن را شادی در نظر بگیرید. من همیشه سعی می‌کنم معنای دقیق و خاص اصطلاحات کلیدی را در متونی که تفسیر می‌کنیم، شناسایی کنم.

همانطور که پاول ریس، واعظ بزرگ نسل گذشته، گفته است، یک مفسر کتاب مقدس باید عاشق کلمات باشد و آماده باشد تا معنای دقیق و خاص اصطلاحات کلیدی در متن را دنبال کند. البته، ما در اینجا به ویژه به عوامل تعیین‌کننده‌ی زمینه، کاربرد کلمات و شهادت کتاب مقدس توجه خواهیم کرد.

و اگر به زمینه، کاربرد کلمات و شهادت کتاب مقدس، این انواع مختلف شواهد نگاه کنید، و من واقعاً وقت ندارم که همه اینها را ترسیم کنم. باید به من اعتماد کنید که این کار را انجام داده‌ام. شادی، در عهد جدید احساسی است که از دستیابی، تحقق، و ملاقات با میل و نیاز نهایی سرچشمه می‌گیرد.

این حداقل در تضاد با مفاهیم مدرن خوشبختی است. و به همین دلیل است که این کلمه نباید به خوشبختی ترجمه شود. آن را تماماً خوشبختی ندانید، بلکه آن را تماماً شادی بدانید.

زیرا خوشبختی، همانطور که معمولاً در زبان ما به کار می‌رود، واقعاً شامل همه چیز می‌شود، و اتفاقاً این موضوع اتفاقاً در ریشه‌شناسی کلمه، یعنی در تکامل خود کلمه، منعکس شده است. البته خوشبختی با اتفاق افتادن مرتبط است، اما خوشبختی نسبتاً سطحی است و به شرایط بیرونی وابسته است. خوشبختی به آنچه اتفاق می‌افتد یا می‌افتد وابسته است.

بلکه، همانطور که می‌گوییم، شادی شامل احساسی است که از دستیابی به آرزوی نهایی و نیاز نهایی سرچشمه می‌گیرد. حال، به طور خاص‌تر، کتابی از ویلیام موریس، موریکا، با عنوان شادی در عهد جدید وجود دارد که فکر می‌کنم او به درستی اشاره می‌کند که شادی تقریباً یک عبارت فنی در عهد جدید است. این به پاسخ عاطفی یا احساسی به تجربه رستگاری مربوط می‌شود.

باز هم، این با آنچه می‌گوییم مرتبط است، زیرا واضح است که تا آنجا که به عهد جدید مربوط می‌شود آرزوی نهایی و آنچه در نهایت مورد نیاز است، نجات خدا از طریق عیسی مسیح است. حال، سومین نکته‌ای که در اینجا به آن اشاره می‌کنیم، ویژگی کلی این نصیحت است. این هم به ارزیابی و هم به احساسات یا نگرش مربوط می‌شود.

آن را به حساب بیاورید یا همه آن را شادی بدانید. واقعاً در نظر بگیرید که نصیحت این است که چگونه در مورد آزمایش‌ها فکر کنید. در نظر بگیرید، این ارزیابی است، همه شادی است، این احساس یا نگرش است که البته پیامدهایی برای عمل دارد؛ همانطور که او در آیه ۴ خواهد گفت، بگذارید پایداری تأثیر کامل خود را داشته باشد، تا شما کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید.

به عبارت دیگر، این آزمایش‌ها باید بر اساس پتانسیلشان ارزیابی یا درک شوند، و بنابراین، به عنوان فرصتی برای شادی. حال، فراتر از آن، چهارم، ما در ابتدا به عنصر غافلگیری اشاره می‌کنیم. شما در اینجا نوعی تضاد ضمنی دارید.

این نصیحت از این افراد می‌خواهد که کاملاً خلاف آنچه انتظار می‌رود عمل کنند. حوزه معنایی، در واقع همانطور که می‌گوییم، حوزه تفکر، حوزه معنا، حوزه پیراسموس، حوزه آزمایش یا وسوسه، منفی است. در آن زمان و در آن فرهنگ، اوضاع مانند امروز بود.

بنابراین، آنچه در اینجا می‌بینید یک تضاد است. او از آنها می‌خواهد که دقیقاً به روشی کاملاً متضاد آنچه انتظار می‌رود پاسخ دهند، واکنشی کاملاً متفاوت از حالت عادی نشان دهند و با شادی به آزمایش‌ها واکنش نشان دهند. البته این به واژگونی ارزش‌ها در زندگی مسیحی و درک متمایز مسیحی از آزمایش‌ها اشاره دارد.

حالا، او ادامه می‌دهد و این نصیحت را اثبات می‌کند. اتفاقاً، او اینجا اشاره می‌کند که وقتی با انواع مختلفی از آزمایش‌ها روبرو می‌شوید، خوب، در واقع، با در نظر گرفتن تمام شادی‌ها، و سپس حتی در درون این نصیحت نوعی اثبات دارید، تمام شادی‌ها را وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید در نظر می‌گیرید، واقعاً، زیرا با انواع مختلفی از آزمایش‌ها روبرو می‌شوید. بنابراین، موقعیتی که، همانطور که گفتم، شامل اثبات است، شما اینجا یک فعل مضارع دارید، و ممکن است به همان اندازه که معمولاً اینجا ترجمه می‌شود، یک فعل مضارع

زمانی باشد، وقتی با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، اما ممکن است یک فعل سببی نیز باشد زیرا شما با آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شوید، و در واقع، اینها اغلب در یکدیگر ادغام می‌شوند، و من فکر می‌کنم این چیزی است که شما اینجا دارید.

مناسبت این شادی زمانی است که شما، یا به دلیل اینکه شما، در انواع آزمایش‌ها قرار می‌گیرید. حال، این آزمایش‌ها بر اساس نوع و فراوانی‌شان توصیف می‌شوند. اینها مشاهدات منطقی هستند

از نظر نوع، آنها متنوع هستند و از نظر فراوانی، هر زمان. حال، از نظر نوع، انواع آزمایش‌ها، آزمایش‌هایی از انواع مختلف، این احتمالاً نشان دهنده انواع آزمایش‌هایی است که به طور کلی مختص زندگی هستند، و همچنین آنهایی که به زندگی مسیحی تعلق دارند. به عبارت دیگر، هم آنهایی که به طور خاص به وجود مسیحی تعلق دارند، به عنوان مثال، رنج برای ایمان و هم انواع بدبختی‌هایی که افراد به طور کلی تجربه می‌کنند.

حال، بقیه کتاب واقعاً نشان می‌دهد که برخی از این انواع مختلف آزمایش‌ها چه هستند. ممکن است یعقوب به طور خاص آزمایش فقر را در ذهن داشته باشد. این یک موضوع اصلی در کتاب است، پریشانی فقر، فصل آیات ۹ تا ۱۱، ۱:۲۷، ۲:۱ تا ۷، ۱۵:۲ تا ۱۶، آزمایش ظلم اقتصادی، نه صرفاً فقیر بودن، بلکه مظلوم، آیات ۱ تا ۱۱ واقع شدن به دلیل فقر، فصل ۲، آیات ۶ و ۷، ۱:۵ تا ۱۱

همچنین، آزمایش نتایج سخنان تلخ یا جاه‌طلبی خودخواهانه دیگران در کلیسا، ۱:۳ تا ۱۰:۴، دوباره در ۵:۹ مطرح می‌شود. بیماری جسمی، آزمایش بیماری جسمی، فصل ۵، آیات ۱۴ تا ۱۸، و موارد مشابه. همچنین مسیحیان، بلکه آزار و اذیت مسیحیان، ۲:۷، اینطور نیست، مگر آنها نیستند که به نام شریفی که بر شما خوانده شده، کفر می‌گویند؟ حال، همانطور که گفتم، این انواع مختلف آزمایش‌ها، شما پیشنهاداتی در مورد آنچه که ممکن است به طور خاص در بقیه کتاب وجود داشته باشد، دارید. انواع مختلف آزمایش‌ها نباید به این موارد محدود شوند، بلکه فراتر از، احتمالاً فراتر از این موارد خاصی که او در بقیه کتاب ذکر می‌کند باشند.

است peripipto فعل اینجا شایان توجه است. او می‌گوید هر زمان که ملاقات می‌کنید، فعل اینجا در یونانی که به معنای واقعی کلمه به معنای افتادن در [معرض] است. او می‌گوید هر زمان که در معرض انواع مختلف آزمایش قرار می‌گیرید.

فرد مسیحی به دنبال این آزمایش‌ها نیست. او به طور اتفاقی در آنها گرفتار می‌شود. بنابراین، در اینجا هیچ عقده شهادت، هیچ مازوخیسم، هیچ خودآزاری وجود ندارد.

در واقع، بسیار جالب است که در کل عهد جدید، و این شامل شهادت کتاب مقدس می‌شود، به عبارت دیگر چگونگی توصیف مفهوم این مسئله‌ی مواجهه با آزمایش‌ها، در بقیه‌ی عهد جدید مورد بحث قرار گرفته است. عهد جدید در دو نکته کاملاً واضح است. یکی اینکه آزمایش‌ها امکان رشد واقعی، پرورش واقعی در مسیر ما، ثبات قدم و خوبی را فراهم می‌کنند.

آنها این پتانسیل را دارند. این غیرمعمول نیست. این یک دیدگاه منحصر به فرد نیست.

در اینجا، در رساله یعقوب، این با تفکر اولیه مسیحیت که به طور کلی در سراسر عهد جدید یافت می‌شود مرتبط است. اما مورد دوم این است که فرد باید مراقب باشد تا جایی که می‌تواند با صداقت از آزمایش‌ها و آزار و اذیت‌ها اجتناب کند، زیرا خطر واقعی نیز وجود دارد. همچنین خطر واقعی نیز وجود دارد.

در آزمایش‌ها، علاوه بر پتانسیل خیر، خطر آسیب نیز وجود دارد، بنابراین فرد به دنبال آزمایش نیست، بلکه تا حد امکان، سعی می‌کند از آنها اجتناب کند. دستورالعمل عیسی به شاگردانش را در گفتمان تبلیغی در فصل دهم انجیل متی به یاد بیاورید، زمانی که او شروع به صحبت در مورد انواع آزار و اذیت‌هایی می‌کند که شاگردان می‌توانند هنگام انجام مأموریت در جهان با آنها روبرو شوند. او به آنها می‌گوید، مانند مارها هوشیار و مانند کبوترها بی‌گناه باشید.

البته، معصومین همچون کبوتران کاملاً روشن می‌کنند: اگر قرار است رنج بکشید، همانطور که پطرس می‌گوید، مطمئن شوید که به خاطر انجام کار درست رنج می‌برید نه به خاطر انجام کار نادرست. اما این موضوع که در آن زمینه، خردمند بودن همچون مار، کاملاً به معنای زیرکی در اجتناب از آزار و اذیت تا جایی است که قابل اجتناب باشند. حال، دلیل یا علت این توصیه در اینجا، و این واقعاً به اثبات آن منجر می‌شود، دانش است.

او می‌گوید، چون می‌دانید، این آیه سوم است، چون می‌دانید، این واقعاً شامل آشکار شدن دانش واقعی یا آشکار شدن ماهیت واقعی آزمایش‌ها می‌شود. او می‌گوید، چون می‌دانید که آزمایش ایمان شما باعث پایداری و امثال آن می‌شود. حالا، شما این را از کجا می‌دانید؟ ما از کجا می‌دانیم که، آنها از کجا می‌دانند، از کجا انتظار دارند بدانند که آزمایش ایمانشان باعث پایداری می‌شود؟ خب، از نظر زمینه وسیع‌تر کتاب، احتمالاً از طریق کلام خدا.

در فصل ۵، آیات ۱۰ و ۱۱، به اهمیت تفسیر مداوم بخش‌های جداگانه با توجه به زمینه وسیع‌تر کتاب اشاره می‌کند. او می‌گوید: «ای برادران، به عنوان نمونه‌ای از رنج و صبر، به پیامبرانی که به نام خداوند سخن گفتند، بنگرید، ما کسانی را که ثابت قدم بودند، خوشبخت می‌نامیم.»

شما از پایداری ایوب شنیده‌اید، و هدف خداوند را دیده‌اید، اینکه خداوند چقدر دلسوز و مهربان است. بنابراین اگر از خود بپرسید، چگونه می‌دانیم که آزمایش ایمان، پایداری را به بار می‌آورد؟ این به سابقه مقدس مربوط می‌شود. به شهادت کلام خدا مربوط می‌شود، که این چنین بوده است، که این همان چیزی است که به طور مداوم برای پیامبران و برای مثال برای ایوب در عهد عتیق اتفاق افتاده است.

او اینجا بحث نمی‌کند. بنابراین، من فکر می‌کنم که ما این را بر اساس مشاهدات تجربی می‌دانیم. حالا، وقتی او در مورد اینکه، وقتی می‌گوید، چون می‌دانید که آزمایش ایمانتان باعث پایداری می‌شود، صحبت می‌کند، این در واقع به تضاد با سوءتفاهم در مورد آزمایش‌ها اشاره دارد. سوءتفاهم در مورد آزمایش، ندانستن آزمایش بالقوه، ممکن است منجر به هیچ شادی یا در بهترین حالت، فقط شادی مختلط در مواجهه با آزمایش‌ها شود.

نکته اساسی که یعقوب مطرح می‌کند این است که در آزمایش‌ها نیروی در کار است، یا حداقل ممکن است نیروی در کار باشد و آن نیروی الهی است. بنابراین، آنچه در ظاهر دردناک و مخرب به نظر می‌رسد، در درون خود پتانسیل شگفت‌انگیز، متعالی و منحصر به فردی دارد. شناخت این پتانسیل برای این واکنش شادی‌بخش ضروری است.

اما برعکس، واکنش شاد برای اینکه آزمایش‌ها بتوانند عملکرد خیرخواهانه خود را انجام دهند، ضروری است. بنابراین، شما در واقع نوعی چرخه دارید. آگاهی از پتانسیل، پتانسیل مثبت آزمایش‌ها، منجر به تحقق آن پتانسیل مثبت می‌شود، که به نوبه خود منجر به آگاهی یا اطمینان بیشتر از پتانسیل مثبت آن آزمایش‌ها می‌شود.

باید بگویم، در واقع، آگاهی از این موضوع، اول از همه، باید بگویم، به واکنشی شادمانه منجر می‌شود، و این واکنش شادمانه است که به تحقق پتانسیل مثبت منجر می‌شود، که به نوبه خود، همانطور که می‌گویم، به شناخت بیشتر پتانسیل مثبت می‌انجامد. شما این نوع چرخه بسیار مثبت و سودمند را دارید که زندگی مسیحی را در بر می‌گیرد. اما نکته اینجاست که آزمایش‌ها لزوماً یا به طور خودکار این نوع خوبی را به همراه نخواهند داشت.

چنین نتایجی تنها در صورتی حاصل می‌شوند که از نصیحت آیه ۲ پیروی شود. احتمالات جایگزین برای واکنش به آزمایش‌ها، و همچنین عواقب وخیم این واکنش‌های دیگر، در آیات ۱۳ تا ۱۵ و ۹:۵ نشان داده شده است. چه گزینه‌هایی برای مواجهه با آزمایش، برای آمدن، برای مواجهه با آزمایش‌ها با شادی، و برای دانستن اینکه آزمایش ایمان شما باعث پایداری می‌شود، وجود دارد؟ یک گزینه در آیات ۱۳ تا ۱۵:۱ یافت می‌شود. هیچ کس وقتی وسوسه می‌شود، نگوید: من توسط خدا وسوسه می‌شوم، زیرا خدا نمی‌تواند با بدی وسوسه شود، و خود او کسی را وسوسه نمی‌کند.

اما هر شخصی وقتی وسوسه می‌شود که توسط میل و هوس خود فریب می‌خورد. سپس میل، وقتی که شکل می‌گیرد، گناه را به دنیا می‌آورد و گناه، وقتی که به کمال می‌رسد، مرگ را به بار می‌آورد. در ۵:۹ پاسخ دیگری به آزمایش‌ها وجود دارد، جایی که یعقوب در آنجا می‌گوید، در زمینه تجربه آزمایش‌ها، غرغر نکنید، ای برادران، از یکدیگر غرغر نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید.

اولین گزینه‌ای که در آیات ۱۳ تا ۱۵ یافتیم، مربوط به حمله‌ای نامناسب به خداست، یعنی پاسخ به آزمایش‌ها با زیر سوال بردن انگیزه‌های خدا. و گزینه دوم، آیه ۹، مربوط به حمله‌ای نامناسب به دیگران است، یعنی غر زدن نسبت به دیگران در جامعه. در اینجا، البته، پاسخ روانشناختی و جامعه‌شناختی سرخوردگی شدید را دریافت می‌کنید، که سرخوردگی شدید ناشی از ارتباط نادرست با آزمایش‌ها را به گردن دیگران در جامعه می‌اندازد.

بنابراین، آزمایش‌ها به خودی خود از نظر معنوی خنثی هستند، اما پتانسیل خوبی و بدی را دارند. اما یعقوب، تلویحاً می‌گوید که مواجهه با آزمایش‌ها، فرد را به حال خود رها نمی‌کند. فرد پس از مواجهه با آزمایش‌ها، بسته به نحوه واکنش به آنها، یا بهتر خواهد شد یا بدتر.

حال، آنچه که در اینجا، طبق متن ما، در پتانسیل آنچه که در پتانسیل آزمایش‌ها شناخته شده است، شناخته شده است، در فرآیند ۱.۴ شرح داده شده است. او می‌گوید، زیرا می‌دانید که آزمایش ایمان شما پایداری را ایجاد می‌کند، در واقع پایداری را به بار می‌آورد. در اینجا، مفهوم اعمال، که در فصل ۲ به تفصیل شرح داده و مورد بحث قرار خواهید داد، در فصل ۱ معرفی شده است. آزمایش ایمان شما، پایداری را به بار می‌آورد، و بگذارید پایداری تأثیر کامل خود را داشته باشد، تا شما کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید. اکنون، او این زنجیره را با آزمایش ایمان، آزمایش ایمان شما، آغاز می‌کند.

این به اهمیت واقعی آزمایش‌ها اشاره دارد. آزمایش‌ها، همانطور که در اینجا اشاره کردیم، کلمه یونانی دوکیمیون «به معنای آزمایش ایمان است. یعنی آزمایش‌ها، ایمان را به چالش می‌کشند که می‌تواند ایمان را» تقویت یا آن را نابود کند.

در اینجا ضمنی dokimion همانطور که گفتم، هر دو احتمال تقویت یا تخریب، هر دو احتمال در کلمه به فرآیند آزمایش در این متن، فرآیند آزمایش، اشاره دارد و به dokimion، هستند. حال، کلمه آزمایش حوزه تصفیه مربوط می‌شود. در واقع، همین زبان در اول پطرس فصل ۱ آیات ۶ و ۷ استفاده شده است و از یا زبان آزمایش استفاده می‌کند و آن را به حوزه تصفیه، فرآیند تصفیه فلز، مرتبط می‌سازد dokimion.

پطرس می‌گوید، در این امر شادمان می‌شوید، هرچند اکنون برای مدت کوتاهی ممکن است مجبور شوید آزمایش‌های مختلفی را متحمل شوید، تا اصالت ایمان شما، که از طلا گرانبهاتر است، و اگرچه فسادپذیر است و با آتش آزمایش می‌شود، در هنگام وحی عیسی مسیح به ستایش و جلال و افتخار بیفزاید. بنابراین، این آزمایش قرار است به تطهیر منجر شود و با تطهیر مرتبط است و در واقع تطهیر با تقویت مرتبط است. ایده این است که یک فلز ناخالص، فلزی ضعیف است، و نتیجه تصفیه، تصفیه تصفیه، فلز را قوی‌تر، از این رو مقاوم‌تر، استوارتر و پایدارتر می‌کند.

حال، اشاره به تطهیر در اینجا دوباره به نگرانی یعقوب برای کل و پاک در دین منجر می‌شود، در این مورد ایمانی که با هر چیزی که خلاف ایمان است، آمیخته نشده باشد، به طوری که آزمایش ایمان در واقع منجر به تطهیر ایمان می‌شود، یعنی حذف هر چیزی که برخلاف ایمان است و ایمان را تضعیف می‌کند. حال، عهد عتیق شامل سه نوع اصلی از نمونه‌های آزمایش است. ابراهیم، در پیدایش ۲۲ و پیدایش ۲۲، به یاد داشته باشید که خدا ابراهیم را در آنجا آزمایش کرد.

این روایت آکده، به بند کشیدن اسحاق است، اما همه چیز با آزمایش ابراهیم توسط خدا آغاز می‌شود. و که کلمه آزمایش‌ها را از آن گرفته‌ایم، در ترجمه هفتادگانی در پیدایش ۱: ۲۲، *perperazo* ضمناً، کلمه استفاده شده است. خدا ابراهیم را آزمایش کرد، اما سه نمونه اصلی، ابراهیم در پیدایش ۲۲، ایوب و اسرائیل، اسرائیل در طول ۴۰ سال سرگردانی در بیابان، که به ویژه در اعداد ۱۴، ۲۰ تا ۲۴ و تثنیه فصل‌های ۶ تا ۸ شرح داده شده است، و به ویژه تثنیه که در آن سرگردانی اسرائیل در بیابان در طول آن ۴۰ سال به عنوان آزمایش خدا توسط اسرائیل در بیابان توصیف شده است. البته ابراهیم و ایوب در جای دیگری از کتاب یعقوب، ابراهیم در فصل ۲ و ایوب در ۵: ۱۱ ذکر شده‌اند. آنها از این آزمایش سربلند بیرون آمدند.

اسرائیل، آن سومین نمونه‌ی اصلی آزمایش در عهد عتیق، از این آزمون سربلند بیرون نیامد. اسرائیل در این آزمون شکست خورد. حال، ایمان، این ایمان، البته، به ایمان به خدا مربوط می‌شود، به اعتمادی که فرد برای رفاه به خدا می‌کند، به آزمایش ایمان شما.

واقعاً ایمان در اینجا به معنای زیستن زندگی‌ای است که با شناخت اینکه خدا کیست و چیست شکل گرفته است. بیابید تکرار کنیم، زیستن زندگی‌ای که با شناخت اینکه خدا کیست و چیست شکل گرفته است، به خصوص اینکه او یکی است. 2.19، آیا شما به یکی بودن خدا اعتقاد دارید؟ شما خوب عمل می‌کنید، و خدا خوب و بخشنده است.

و ۶، بگذارید با ایمان و بدون شک و تردید بپرسد، خب، اول از همه، ۵، کسی که به خدا می‌دهد، کسی ۵: ۱ که به همه انسان‌ها سخاوتمندانه و بدون سرزنش می‌دهد، به او داده خواهد شد، اما بگذارید با ایمان و بدون شک و تردید بپرسد، زیرا کسی که شک می‌کند مانند موج دریا است. بنابراین، همانطور که می‌گویم، با شناخت اینکه خدا کیست و چیست، به عنوان مثال، و به ویژه اینکه او یکی است و نیکو و بخشنده است، از اعتقاد راسخ به اینکه انجام این کار منجر به رفاه، یعنی نجات خواهد شد، شکل گرفته است. ۱: ۲۱ بنابراین، تمام پلیدی‌ها و رشد شرارت را کنار بگذارید و با فروتنی کلام کاشته شده را که قادر به نجات جان‌ها و آزادی شماست، بپذیرید، که در مورد قانون کامل آزادی و غیره صحبت می‌کند.

بنابراین، اعتمادی که فرد برای رفاه به این نوع خدا می‌کند، اعتمادی که فرد برای رفاه به این نوع خدا می‌کند، خدایی که یگانه است و به ویژه یگانه به این دلیل که در تعهد مطلق خود برای خیر رساندن به ما کاملاً متحد است، تعهدی مطلق که خدا طرف ماست، کاملاً و بدون قید و شرط در کنار ماست. دقیقاً همین نوع ایمان است که به چالش کشیده می‌شود، که توسط آزمایش‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد، زیرا آزمایش‌ها این نوع ایمان را به چالش می‌کشند و فرد را به این فکر می‌اندازند که آیا خدا فقط برای ما خیر می‌خواهد، آیا در واقع

او در خوبی خود یگانه است. حال، افرادی که با شادی به آزمایش‌ها پاسخ می‌دهند زیرا شخصیت و پتانسیل واقعی آزمایش‌ها را می‌دانند، متوجه خواهند شد که این آزمایش ایمان، پایداری را به همراه خواهد داشت.

کلمه «آهسته» است. البته یعقوب به روشنی بیان می‌کند که این پایداری بدون این آزمایش‌ها نمی‌تواند حاصل شود. این پایداری تنها از طریق این آزمایش‌ها می‌تواند حاصل شود.

این تنها راه است. آزمایش‌ها برای پایداری ضروری هستند، که به نوبه خود برای نجات نهایی ضروری است. باز هم، برای پیش‌بینی آنچه او در آیات ۵:۷ تا ۱۱ خواهد گفت.

پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبور باشید. اینک، کشاورز منتظر غذای گرانبهای زمین است و بر آن صبر می‌کند تا باران‌های زود و دیر را دریافت کند. شما نیز صبور باشید.

دل‌هایتان را استوار کنید، زیرا آمدن خداوند نزدیک است. ای برادران، از یکدیگر شکایت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید. اینک، داور به عنوان نمونه‌ای از رنج و صبر، بر در ایستاده است.

برادران، انبیای را که به نام خداوند سخن گفتند، در نظر بگیرید. ببینید، ما به آنها «خوشبخت» می‌گوییم، و در واقع، کلمه اینجا «ماکاریوس» است. فکر نمی‌کنم «خوشبخت» ترجمه خوبی باشد.

بهتر است بگوییم کسانی را که ثابت قدم بودند، سعادت‌مند می‌نامیم. شما از ثبات قدم ایوب شنیده‌اید، و هدف خداوند را دیده‌اید، اینکه خداوند چقدر دلسوز و مهربان است. و البته، دلسوز و مهربان از نظر ایجاد نجات نهایی.

سعادت از نظر رسیدن به رستگاری نهایی. این پایداری که در نتیجه مواجهه با آزمایش‌ها به روش صحیح حاصل می‌شود، برای رستگاری نهایی ضروری است. به همین دلیل است که او در ۱:۱۲ می‌گوید: خوشا به حال کسی که آزمایش را تحمل می‌کند، زیرا وقتی از آزمایش سربلند بیرون آمد، تاج حیاتی را که خدا به دوستداران خود وعده داده است، دریافت خواهد کرد.

حال، این فرآیند از آزمایش ایمان تا پایداری، با عنصر سوم زنجیره به اوج خود می‌رسد، بگذارید پایداری تأثیر است، یعنی کار کامل. این اولین اشاره به کار در کتاب *ergontelion* کامل خود را بگذارد. و کلمه اینجا واقعاً یعقوب است، کار کامل، که در واقع به شکل نصیحت است.

اینجا در اثبات، متوجه می‌شوید که اثبات در واقع با یک نصیحت به پایان می‌رسد، بگذارید پایداری کار کامل خود را انجام دهد. تا، برای آن، شما کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید. هدف نهایی آزمایش‌ها پایداری نیست، بلکه کمال است.

هدف نهایی در زندگی مسیحی، کمال است، به عبارت دیگر، حداقل از نظر شخصیت مسیحی، تا آنجا که به شخصیت مسیحی مربوط می‌شود. حال، این نصیحت اوج‌گیرنده نشان می‌دهد که هیچ یک از این موارد خودکار نیستند و نویسندگان الگویی فعال در مقابل الگویی منفعل در ذهن دارد. بگذارید استواری تأثیر کامل خود را بگذارد.

به عبارت دیگر، به اعمالی ادامه دهید که با اعتقاد به نیکی مطلق خداوند مطابقت دارند. اینگونه است که اجازه می‌دهید ثبات قدم تأثیر کامل خود را داشته باشد. به اعمالی ادامه دهید که با اعتقاد به نیکی مطلق خداوند مطابقت دارند، که با کمال میل خطر ایمان را به جان می‌خرد.

البته این نوع ایمان، همانطور که در فصل دوم تأکید خواهد کرد، فعال است، نه منفعل. او می‌گوید، به منظور اینکه شما اجازه دهید، به منظور اینکه شما کامل و بی‌نقص باشید و هیچ کمبودی نداشته باشید. حال است و اغلب در یعقوب استفاده می‌شود teleos نگاهی به کاربرد این کلمه کامل، که در یونانی در یعقوب نشان می‌دهد که مربوط به عدالت جامع است، که اتفاقاً اغلب در ترجمه هفتادگانی نیز به همین شکل استفاده می‌شود.

عدالت جامع، می‌توانیم آن را اینگونه بیان کنیم، یک عدالت همه‌جانبه. این متن ما را دعوت می‌کند تا پرسیم، چگونه استقامت این عدالت جامع را ایجاد می‌کند تا شما کامل و بی‌نقص باشید؟ چگونه می‌توان اجازه داد که این نوع استقامت چنین تأثیری داشته باشد؟ پاسخ، ایمان راسخ است. اجازه دهید این وابستگی تزلزل‌ناپذیر به خدا در تمام زندگی نفوذ کند تا هر حوزه‌ای از زندگی حول این واقعیت محوری اعتماد به نیکی خدا، صرف نظر از هر چیز، متمرکز شود.

یعقوب تأکید می‌کند که فرد مسیحی باید اجازه دهد این وابستگی تزلزل‌ناپذیر به خدا در موقعیت‌های خصمانه، نه تنها بر رابطه یک مسیحی با آزمایش‌ها و مخالفت‌ها، بلکه بر کل زندگی، به شخصیت به طور کلی، تأثیر بگذارد تا شما کامل و بی‌نقص باشید، و آن را مرکز قرار دهید، این اعتماد به خدا و خوبی‌هایش، آن را مرکز وجود قرار دهید تا هر انگیزه خوب و مثبتی از این طریق به زندگی وارد شود، و به این ترتیب همه این فضایل پیرامون این مرکز وابستگی تزلزل‌ناپذیر به خدا، یعنی این ایمان، یکپارچه و منسجم شوند. این نوع ایمان جامع، فراگیر و اصیل که شما کامل و بی‌نقص باشید، و هیچ کمبودی نداشته باشید، شخصیت فرد را شکل می‌دهد و لزوماً منجر به اعمال خواهد شد، فصل دوم. حال، این نوع کمال به افراد وحدت و انسجام می‌بخشد.

اینجا، شما در مورد یکپارچگی واقعی زندگی، انسجام و وحدت صحبت می‌کنید. به این ترتیب، خود فرد واقعاً کامل خواهد بود. یعنی زندگی آن فرد یک کل یکپارچه و متحد خواهد بود.

توبلیوس این را اینگونه بیان می‌کند، بگذارید پایداری کار کامل خود را انجام دهد تا شما بتوانید کامل شوید. توبلیوس در ادامه می‌گوید، تو آن کار کامل هستی. تو آن کار کامل هستی.

در نظر جیمز، شامل درک، انسجام و هماهنگی است. به (teleos) حال، برای این ایده کمال، غایت‌گرایی نظر من، اینها سه عامل اصلی الهیات کمال جیمز هستند. همانطور که می‌گویم، شامل جامعیت، انسجام و هماهنگی است.

به معنای کامل تأکید می‌شود، در حالی که عنصر درک به ویژه با teleos عنصر انسجام و پیوستگی با کلمه به معنای کامل و بی‌نقص بودن برجسته می‌شود. و با عبارت «فاقد هیچ چیز بودن» که می‌تواند complete باشد، در واقع جزئی‌نگری سلبی آن است. فقدان، کامل و بی‌نقص بودن، و کامل halakleros جزئی‌نگری بودن، به طور خاص‌تر، در مقابل، شامل فقدان هیچ چیز نیست.

صداقتی وجود دارد که هیچ انگیزه یا تضاد منافعی در آن وجود ندارد. از نظر یعقوب، این ایمان تنها واقعیتی است که به اندازه کافی بزرگ است تا مرکز وحدت‌بخش زندگی را تشکیل دهد. این یک شخصیت انسانی است که به گونه‌ای شکل گرفته که با شخصیت الهی مطابقت داشته باشد.

همانطور که خدا یکی است، دوباره ۲.۱۹، آیا شما به یکی بودن خدا اعتقاد دارید؟ همانطور که خدا یکی است، ما نیز اکنون یکی می‌شویم، متحد می‌شویم، همانطور که خدا متحد است. کامل، مطمئناً نه به همان اندازه، اما در یک مقیاس بزرگ، به همان روشی که خدا کامل است. خیر جامع واقعاً شامل، به طور خاص‌تر، ایمان جامع، پاسخگویی به خیر جامع، ناشی از اعتقاد به خیر جامع خداوند است.

حال، در درک کتاب مقدس از آزمایش‌ها یا رنج، دو ایده اصلی وجود دارد. اول این است که به ویژه در عهد عتیق، اغلب بین رنج و گناه ارتباطی وجود دارد. رنج در بسیاری از بخش‌های عهد عتیق نتیجه گناه است، در حالی که رفاه نتیجه پارسایی است.

شما این را در بخش‌های زیادی از سنت حکمت و همچنین در الهیات تثنیه در عهد عتیق می‌یابید. کار درست را انجام دهید، برکت خواهید یافت. کار نادرست انجام دهید، رنج خواهید برد.

بنابراین بین رنج و گناه ارتباطی وجود دارد. رنج نتیجه گناه است، در حالی که رفاه نتیجه پارسایی است. به نظر می‌رسد یعقوب می‌پذیرد که در واقع، ممکن است مواقعی وجود داشته باشد که رنج، به ویژه بیماری ناشی از گناه باشد.

آیات ۱۴ و ۱۵ باب ۵ را به یاد آورید. اگر کسی از شما بیمار است، بزرگان کلیسا را فرا بخواند و آنها برایش دعا کنند و او را به نام خداوند با روغن مسح نمایند. و دعای ایمان، بیمار را نجات خواهد داد و خداوند او را زنده خواهد کرد.

و اگر مرتکب گناه شده باشد، بخشیده خواهد شد. اما واقعاً به شرط آن توجه کنید، اگر مرتکب گناه شده باشد. بنابراین یعقوب در یک جمله اذعان می‌کند که ممکن است گاهی اوقات ارتباطی بین گناه و بیماری وجود داشته باشد، اما لزوماً اینطور نیست.

اما به هر حال، این تأکیدی در یعقوب نیست و به نظر نمی‌رسد که اصلاً در این متن وجود داشته باشد. اما دومین جنبه اصلی درک کتاب مقدس از آزمایش‌ها یا رنج‌ها این است که رنج، عرصه آزمایش است. و در اینجا به ویژه به ابراهیم و ایوب اشاره می‌کنیم که به صراحت در کتاب یعقوب از آنها نام برده شده است.

این دو بعداً در یعقوب دقیقاً به همین شکل ذکر شده‌اند. آزمایش ابراهیم در یعقوب ۲:۲۱ شرح داده شده است. آیا ابراهیم، پدر ما، هنگامی که پسرش اسحاق را بر قربانگاه تقدیم کرد، با اعمالش عادل شمرده نشد؟ البته، اشاره‌ای به پیدایش ۲۲ و آزمایش ایوب، ۵۱۱، اشاره‌ای به کتاب ایوب.

یعقوب در واقع بر این درک دوم تأکید می‌کند و مثال‌هایی می‌آورد. به نمونه‌های مبارک ابراهیم توجه کنید. ابراهیم نمونه‌ای مبارک بود، زیرا از این آزمایش به عنوان دوست خدا بیرون آمد.

و آن نوشته که می‌گوید ابراهیم به خدا ایمان آورد، به حقیقت پیوست و این ایمان برای او پارسایی شمرده شد و او دوست خدا نامیده شد. و ایوب، در باب ۵، کسانی را که ثابت قدم بودند، رستگار می‌نامیم. در متن حاضر، آزمایش‌ها به هیچ وجه به گناه یا خطای فرد رنج‌کشیده مربوط نمی‌شوند.

از این رو، او به طور ضمنی از وسوسه دیگری که در آزمایش‌ها نهفته است، فراتر از آنچه در آیات ۱۲ تا ۱۸ به آن اشاره شده است، صحبت می‌کند و خدا را سرزنش می‌کند. و آن سرزنش خود است.

به عبارت دیگر، این واقعیت که یعقوب به هیچ وجه مفهوم کتاب مقدسی ارتباط بین رنج و گناه را مطرح نمی‌کند، تلویحاً نشان می‌دهد که ما نباید با سرزنش خود به آزمایش‌ها پاسخ دهیم. سرزنش خود، همانقدر که سرزنش خدا، پاسخ مشروعی به آزمایش‌ها نیست، آیات ۱۲ تا ۱۵ نیز همین‌طور است. تأکید بر منبع آزمایش‌ها و علل آنها نیست، بلکه بر آنچه ممکن است از آنها ناشی شود، است.

علاوه بر این، اگرچه خدا ممکن است این آزمایش‌ها را بفرستد، پیدایش ۱: ۲۲، و ضمناً، بیایید به خودمان یادآوری کنیم که در پیدایش ۲۲: ۱ چه داریم، و یعقوب به وضوح از این متن آگاه است. پس از این اتفاقات خدا ابراهیم را آزمایش کرد. اگرچه خدا ممکن است این آزمایش‌ها را بفرستد، منظور از پیدایش ۲۲: ۱ همین است، او ابراهیم را آزمایش کرد، اما نباید خدا را سرزنش کرد، زیرا طبق آیات ۱۲ تا ۱۸، خدا فقط خیر ما را می‌خواهد.

تأکید بر نتایج نهایی در مقابل تجربه فوری است. در اینجا یک دیدگاه غایت‌شناختی بلندمدت در مقابل میل انسان و به‌ویژه مدرن به رضایت و نتایج فوری وجود دارد. نوعی کوتاه‌بینی ذاتی در دیدگاه انسان وجود دارد.

اما یعقوب، که در اینجا نماینده دیدگاه خدا است، درباره نتایج مثبت بلندمدت صحبت می‌کند. در همین نتایج مثبت، همانطور که در اینجا توضیح داده شده است، بر کیفیت نتایج در مقابل فوریت آنها تأکید می‌شود. حال، تأکید بر شخصیت در مقابل راحتی نیز وجود دارد.

این در تضاد با لذت‌گرایی و تمام اشکال دیگر تفکر است که لذت، از جمله فقدان درد و ناراحتی، را والاترین خیر می‌دانند. این دیدگاه جیمز در اینجا نیست. این دیدگاه اپیکوریسم است.

و شما این را مثلاً در آثار اپیکتتوس می‌بینید. این دیدگاهی از اپیکوریسم است که البته ماندگاری طولانی دارد، البته ما در تفکر مدرن نیز اشکالی از این را داریم و آن والاترین خیر در مسیحیت است؛ والاترین خیر در زندگی در زندگی بشر، لذت است.

و در اپیکوریسم، لذت نه بر اساس ارضای جنسی، از این قبیل چیزها، بلکه بر اساس فقدان درد، فقدان رنج درک می‌شد. تا حد زیادی، رواقی‌گری نیز تلاش کرد به این موضوع پردازد، هرچند از دیدگاهی کاملاً متفاوت می‌توانم صرفاً از طریق پیامدهای الهیاتی که این موضوع دارد، بگویم که این موضوع پیامدهایی برای مسائلی مانند اتانازی و موارد مشابه دارد، به خصوص اگر اتانازی بر اساس تسکین درد توجیه شود.

این امر از دیدگاه اخلاقی و از دیدگاه کتاب مقدس بسیار مشکل‌ساز است. فقدان درد و ناراحتی از نظر مسیحیان، از نظر الهیات و اخلاق مسیحی، یک حسن بزرگ محسوب نمی‌شود. همچنین، توجه داریم که دیدگاه در اینجا خدامحوری در مقابل انسان‌محوری، خدامحوری در مقابل انسان‌محوری است.

واقعیت نهایی در اینجا، قدرتی از جانب خداست که در تمام زندگی نفوذ کرده و عمل می‌کند، در مقابل دیدگاهی که خود یا دیگران را مرکز واقعیت می‌داند. سوال واقعی که در پس گفته‌های جیمز نهفته است این است که خدا از طریق این فرآیند چه می‌خواهد انجام دهد. خدا از طریق این فرآیند چه می‌خواهد انجام دهد. لازم است که افراد خود را تسلیم این نیروی الهی دهند؛ پتانسیل نهفته در این آزمایش‌ها، نیروی الهی است. لازم است که افراد خود را تسلیم این نیروی الهی دهند؛ پتانسیل نهفته در آزمایش‌ها کنند.

این همان معنای این نصیحت است. بگذارید پایداری اثر کامل خود را بگذارد. بگذارید نیروی الهی در این پایداری به کار بیفتد.

حال، مدل اینجا نیز، با این اوصاف، فعال در مقابل منفعل است. دغدغه اینجا صرفاً زنده ماندن در آزمایش‌ها و به نحوی سالم بیرون آمدن از آنها نیست. این نوعی سنگر گرفتن منفعلانه و نوعی نگرش به سنگر خواهد بود.

دغدغه در اینجا صرفاً زنده ماندن از آزمایش‌ها و به نحوی سالم بیرون آمدن از آنها نیست، بلکه واکنش به آزمایش‌ها به گونه‌ای است که بهتر از قبل از آنها بیرون بیاییم. برای اینکه آزمایش‌ها چنین تأثیری داشته باشند، افراد باید عمل کنند. کارهای خاصی وجود دارد که فرد مبتلا باید انجام دهد.

آیه ۴: بگذارید پایداری تأثیر کامل خود را بگذارد. حال، ما لحظه‌ای پیش به اپیکوریسم اشاره کردیم، اما این در واقع در مقابل رواقی‌گری قرار دارد، که یکی دیگر از فلسفه‌های اصلی در بافت یونانی-رومی جیمز بود، که مدلی منفعلانه را پیشنهاد می‌کند که در آن فرد طوری رفتار می‌کند که گویی این مصائب بیرونی وجود ندارند، یا حداقل به عنوان مصائب وجود ندارند، و تا حد زیادی آنها را نادیده می‌گیرد. در مقابل، جیمز خوانندگان خود را تشویق می‌کند که این آزمایش‌ها را با جدیت تمام بپذیرند و به گونه‌ای عمل کنند که برای مسیحیان مفید باشند.

این نیز، همانطور که در متن آمده است، الهیات رنج را در مقابل الهیات موفقیت ارائه می‌دهد. جیمز کاملاً، با این مفهوم عهد جدید همسو است که خیر حقیقی و نهایی تنها از طریق رنج می‌تواند حاصل شود. باز هم الهیات موفقیت اغلب اساساً موضعی اپیکوری اتخاذ می‌کند، و آن این است که این یک خیر است، خیری که خدا می‌خواهد ما از آن لذت ببریم، از درد اجتناب کنیم، از رنج اجتناب کنیم.

حالا، او از واکنش به آزمایش‌ها، که همان شادی کردن است، به واکنش به کمبود حکمت می‌پردازد، که البته شامل دعایی است که شامل دعای درخواست حکمت در آیات ۵ تا ۸ می‌شود. و در واقع، اینجا جای خوبی برای مکث ماست. بنابراین، بیایید در اینجا با این بخش متوقف شویم تا بتوانیم در بخش بعدی با یعقوب تازه شروع کنیم ۱:۵.

این دکتر دیوید باور در تدریس خود در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس است. این جلسه ۱۶، یعقوب است ۱:۴-۱.